

حوادث۱۹

کوتاه‌از حوادث

✚ مخزن سوخت هنگام تخلیه بنزین در بزرگراه دوران تهران منفجر شد و یک مصدوم برجای گذاشت. مجتبی خالدی، سخنگوی اورژانس کشور در این‌باره به جام‌چم گفت: « ساعت ۱۸ دیروز دوشنبه، وقوع انفجار در جایگاه سوخت میدان تره‌بار مرکزی خیابان پیروزی به اورژانس گزارش شد. زمانی که امدادگران در محل حاضر شدند، مشاهده کردند مخزن تانکر سوخت آتش گرفته و دچار انفجار شده است. آتش‌نشان‌ها شعله‌های آتش را خاموش کردند. این حادثه کشته‌ای در برنداشت و فقط یک نفر از ناحیه سر به‌خاطر اصابت ضربه مصدوم شد که برای ادامه درمان به بیمارستان انتقال یافت.

همچنین آتش‌نشانی نیز اعلام‌کرده‌که این حادثه هنگامی رخ داده که راننده تانکر در حال تخلیه بنزین در بزرگراه دوران بود.

✚ بیست و یک نفر از ساکنان مجتمع مسکونی در یافت‌آباد تهران که در میان دود و آتش گرفتار شده بودند، با حضور آتش‌نشانان نجات یافتند. این آتش سوزی در مجتمع مسکونی چهار طبقه، ۲۰ واحدی در یافت‌آباد بلوار الغدیر خیابان باقری رخ داد. آتش‌نشانان برای امداد رسانی در محل حاضر شدند. بررسی‌های اولیه آتش‌نشانان نشان می‌داد که آتپارتن ۶۰ متری در طبقه اول آتش گرفته و آتش در حال سرایت‌به دیگر طبقات است. لوازم داخل خانه سوخته بود. ساکنان ساختمان در میان دود و آتش گرفتار شده بودند که گروهی از آتش‌نشانان به خاموش کردن شعله‌های آتش پرداختند و گروهی برای خارج کردن بقیه افراد حاضر در محل اقدام کردند. آتش‌نشانان، بیست و یک نفر از ساکنان که در میان دود و آتش گرفتار شده بودند را نجات دادند.

✚ اعضای دگروه موسیقی و پدر داماد در مراسم عروسی در رومشکان بازداشت شدند. در یک مجلس عروسی هنرمندان دو گروه موسیقی غیررئومی همراه پدر داماد به خاطر بی توجهی به تذکرات و رعایت نکردن پروتکل‌های بهداشتی هنگام اجرای جشن با هماهنگی محاکم قضایی رومشکان بازداشت شدند. یک دستگاه خودرو همراه آلات موسیقی، توقیف شد.

✚ متهمانی در آبگرم قزوین با استفاده از حکم مجازات جایگزین محکوم به خرید هفت دستگاه تبلت و هدیه آن به دانش‌آموزان شدند. این متهمان به دلیل ارتکاب جرایمی از جمله تخلف بهداشتی، نگهداری مشروبات الکلی، اخلاف در نظم عمومی و… به تحمل حبس محکوم شده بودند که قضات دادگاه تصمیم گرفتند مجازات آنها را به حبس جایگزین تغییر دهند. بنابراین مجازات حبس آنها به همکاری با کمیته امداد برای خرید گوشی همراه هوشمند یا تبلت برای دانش‌آموز نیازمند تبدیل شد.

✚ زن نیشابوری به‌دلیل مرگ کرونایی شوهرش خودکشی کرده و به زندگی‌اش پایان داد. بر اساس گفته‌های فرزندان این‌زن به پلیس نیشابور، حدود ۱۵ تا ۲۰ روز قبل شوهر وی بر اثر ابتلا به کرونا فوت کرده و به دلیل وابستگی عاطفی شدیدی که به وی داشته، او افسرده شده و خود را به دار آویخته و به زندگی پایان داده است.

✚ ریزش کوه در آستارا باعث تخریب مدرسه کانکسی شد. ریزش کوه باعث مسدود شدن مسیر روستای کوه کومه بخش لوندویل آستارا و تخریب یک مدرسه کانکسی در آن روستا شد. در این حادثه به کسی آسیبی نرسید و فقط مدرسه بچه‌ها تخریب شد.

✚ دختر ۱۵ ساله دیگری در رامهرمز خوزستان خود را حلق‌آویز کرد و به زندگی‌اش پایان داد. جسد او را خانواده‌اش یافتند و معلوم نیست که چه انگیزه‌ای باعث شده این دختر نوجوان به زندگی‌اش پایان دهد. پلیس رامهرمز در این باره در حال تحقیق است.

✚ مرد جوان که برای سرقت به اداره برق غرب تهران رفته بود، بر اثر برق‌گرفتگی فوت شد. ساعت ۲۱ شامگاه یکشنبه بیست‌وپنجم آبان امسال مردی برای ورزش و پیاده‌روی به یکی از محله‌های غرب تهران رفته بود که مشاهده کرد در پشت ساختمان اداره برق مردی حدود ۲۵ ساله کنار جدول خیابان افتاده است. او که به این موضوع مشکوک شده بود با پلیس ۱۱۰ تهران تماس گرفت. در ادامه ماموران کلانتری شهرزیا برای بررسی ماجرا در محل حاضر شدند. ابتدا از مسوولان اداره برق تحقیق کردند که معلوم شد فرد فوت‌شده از کارکنان آنجا نبوده است. در ادامه به سرنخ‌هایی دست یافتند که نشان می‌داد او قصد سرقت کابل‌های برق از اداره برق را داشته که موفق نشده و بر اثر برق‌گرفتگی فوت‌شده است. جسد با هماهنگی قضایی مصطفی واحدی، بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران به پزشکی قانونی منتقل شد. دستور شناسایی خانواده سارق فوت‌شده و تحویل جسد به آنها صادر شد.



یکشنبه، ۲۷ آبان ۱۳۹۹ • شماره ۵۸۵

تا مدت‌ها برده کشورهای دیگر بوده‌اند. برای همین به ایرانی‌ها توهین می‌کردند تا عقده‌شان را خالی‌کنند.
✚ **در طول اسارت زبان تانزانایی هم یاد گرفتید؟ از شما در مورد چه چیزهایی سوال می‌کردند؟**
بله کمی یاد گرفتم و می‌توانستم صحبت کنم. به‌طور مثال در مورد وضعیت ایران و زندان‌های ایران می‌پرسیدند که وقتی می‌گفتم در ایران به زندانی سه وعده غذا می‌دهند، با تعجب نگاه‌مان می‌کردند و می‌گفتند اینجا از این خبرها نیست.
✚ **چه زمانی به شما گفتند که قرار است آزاد شوید؟**
ششم نوامبر ۲۰۲۰ یعنی ده روز قبل بود که خانم قاضی در دادگاه حکم آزادی‌مان را داد.
✚ **چطور متوجه شدید؟**
اواخر دیگر مترجم داشتم.

✚ **مترجم‌تان تانزانایی بود یا ایرانی؟**
اهل خود تانزانیا بود که کمی هم فارسی بلد بود. او گفت که آزاد شده‌ایم.

✚ **ناخداي لنج هم جزو آزادشدگان است؟**
خیر، به او تهمت زدند که مواد مخدر در لنج داشته و او را به ۳۰ سال زندان محکوم کرده‌اند.

✚ **اسم ناخدا و صیاد دیگری که اسیر هستند، چیست؟**
ناخدا نبی‌بخش بی‌برده و آن صیاد هم نامش محمدحنیف دُرزاده است.

✚ **غیر از شما ده نفر، باز هم زندانی و صیاد ایرانی دیگری هم در زندان وجود دارد؟**

بله، واقعا شناس با ما یار بود.

من هنوز هم حس می‌کنم خواب می‌بینم و یاور نمی‌کنم قاضی حکم آزادی‌ام را داده باشد. دعای خیر پدر و مادر و کمک دولت ایران باعث شد تا من دوباره به وطن برگردم.

برای انتقال زندانیان ۱۶۰ میلیون تومان گرفتند

دابی نعیم هنوز هم باورش نمی‌شود خواهرزاده‌اش پس از سه سال و اندی، از اسارت دولت تانزانیا آزاد شده باشد، اما همین که او سالم به وطن برگشته، خوشحال است: «پنج، شش روز پیش، از سفارت با ما تماس گرفتند و گفتند قرار است هشت صیاد آزاد شوند و هرکدام از آنها برای برگشتن به ایران، تهیه بلیت و مخارج سفر، به ۲۰ میلیون تومان پول نیاز دارند. خودتان می‌دانید در شرایط اقتصادی فعلی، جمع‌آوری ۲۰ میلیون تومان از طرف هر یک از خانواده صیادان کار بسیار دشواری است. برای خانواده‌ای که از طریق صیادی و ماهیگیری روزگار می‌گذراند، تهیه این پول سخت است. بعضی از خانواده‌ها با قرض و قولة از دیگران توانستند این پول را فراهم کنند. برخی خانواده‌ها، حتی غذایی برای خوردن هم ندارند و به سختی از یکی صد هزار و از دیگری ۲۰۰ هزار تومان قرض گرفتند تا این‌که ۲۰ میلیون تومان جمع شد. پس از فراهم کردن پول، صیادان از تانزانیا به قطر و سپس به تهران و بعد هم چابهار آمدند. صیادان آزادشده به دلیل تحمل شرایط دشوار زندان و اسارت، از لحاظ فکری و روحی وضعیت چندان مناسبی ندارند، اما همین که برگشتند، خدا را شاکر هستیم.»

بازداشت اشرارآزادراه تهران- شمال

رئیس مرکز عملیات پلیس امنیت عمومی تهران بزرگ‌ا شناسایی سه عامل زورگیری و قمه‌کشی در آزادراه تهران - شمال خبر داد و گفت: متهمان در کمتر از ۴۸ ساعت در مخفیگاه‌شان دستگیر شدند.

به گزارش خبرنگار جام‌چم، سرهنگ سعید راستی اظهار کرد: در پی انتشار و بازنشر کلیپی در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی با عنوان زورگیری و قمه‌کشی در آزادراه تهران - شمال که در آن سه سرنشین یک دستگاه خودروی پراید، با قدرت‌نمایی با استفاده از سلاح سرد، سرنشینان یک دستگاه خودروی ۲۰۶ را تهدید کرده بودند، بررسی موضوع بلافاصله در دستورکار ماموران مرکز عملیات پلیس امنیت عمومی تهران بزرگ قرار گرفت.

وی با اشاره به این‌که در بررسی‌های اولیه و استعلام پلاک انتظامی خودروی متهمان مشخص شد پلاک انتظامی نصب‌شده متعلق به خودروی پراید نیست و شماره انتظامی جعلی است، گفت: در شاخه دیگری از تحقیقات پلیسی ماموران این مرکز موفق شدند هویت واقعی متهمان و مخفیگاه آنها را در حوالی شهر قدس شناسایی کنند. این مقام انتظامی با بیان این‌که نتایج تحقیقات انجام‌شده به مرجع قضایی منعکس و دستور دستگیری متهمان اخذ شد، گفت: ۱۵ آبان‌ماه تیمی از ماموران این مرکز به مخفیگاه متهمان اعزام و موفق شدند هر سه آنها را دستگیر و با زبرسی از محل چند قبضه سلاح سرد نیز کشف کنند. سرهنگ راستی عنوان کرد: متهمان پس از انتقال به پلیس امنیت در بازجویی‌های اولیه به جرم ارتکابی اعتراف و علت آن را خودنمایی و ایجاد مزاحمت عنوان کردند.



می‌کردیم که آبگرم هم نداشت و سرد بود. آنجا چیزی به‌نام کولر و پنکه و آبگرمکن وجود ندارد. در زمستان می‌لرزیدیم و در تابستان شرشر عرق می‌ریختم.

✚ **شما را کتک هم می‌زدند؟**
در اتاقی که من بودم، زندانیانی از ملیت‌های دیگر هم بودند. بعضی‌های‌شان عقدهای می‌بودند و برای همین یک‌دفعه سر هر چیزی دعوا راه می‌انداختند. این‌چور وقت‌ها زندانیانان با استفاده از یک چیزی شبیه یک باتوم چوبی، شروع به‌کتک زدن می‌کردند و برآن باتوم به استخوان‌های دست و پا ضربه می‌زدند. طوری می‌زدند که انگار نه انگار آدم هستیم و انگار به دیوار ضربه می‌زنند. رحم در دل‌شان نبود. به‌خاطر همین ضربه‌ها، دست و پای بعضی‌ها می‌شکست. من کاری به کسی نداشتم و در عواها شرکت نمی‌کردم، برای همین کتک نخوردم. در زندان، داشتن تلفن و سیگار ممنوع بود و اگر پیدا می‌کردند، کتک می‌زدند.

✚ **به دکتر دسترسی داشتید؟**
آنجا قانون خودشان را داشتند. با این‌که در زندان دکتر بود، اما هر مرضی که داشتیم، نهایتاً یک استامینوفن می‌دادند و تمام. مگر این‌که حال‌مان آن‌قدر وخیم می‌شد که به حال مرگ می‌افتادیم. آن‌موقع شاید رسیدگی پزشکی به ما می‌کردند.

✚ **چند بار در روز به دستشویی می‌رفتید؟**
دستشویی رفتن اختیاری نبود و تا به وضع اضطراب نمی‌رسیدیم، اجازه نداشتیم به دستشویی برویم.

✚ **وضعیت بهداشت چطور بود؟ مایع دستشویی یا صابون داشتید؟**

نه نداشتیم. زندانیان هیچ بهداشتی رعایت نمی‌کردند. دستشویی‌های‌شان حتی در نداشت.

✚ **زندانیان با زندانیان ایرانی چه رفتاری داشتند؟**
از ما ایرانی‌ها خوش‌شان نمی‌آمد و عقده داشتند. چون تازه ۱۵-۱۰ سال است که کشور مستقلی شده‌اند و تا قبل از آن مستعمره سایر کشورها بودند. از این ناراحت بودند که ما کشور آزادی هستیم، اما آنها

قرار داده بود و انتشار فیلم و بازنشر دادن آن در شبکه‌های اجتماعی از سایران فضای مجازی سبب تشویش اذهان عمومی شده بود، بلافاصله تیمی از کارآگاهان پلیس فتا وارد عمل شدند.

وی عنوان کرد: در تحقیقات پلیسی هویت واقعی متهم شناسایی و با هماهنگی‌های



صیادان پس از آزادی در فرودگاه چابهار عکس، ایستاد

گفت‌وگو با یکی از صیادان ایرانی آزاد شده از زندان تانزانیا

فقط به مرگ فکر می‌کردیم

۸ ماهی گیر ایرانی پس از ماه‌ها اسارت به کشور برگشتند

✚ **پرونده آزادسازی صیادان اسیر در کشورهای مختلف همچنان باز است و این بار نوبت هشت صیاد دیگر بود که از یکی از زندان‌های مخوف کشور تانزانیا آزاد شوند و به وطن برگردند. نعیم به‌اتکی، یکی از هشت صیادی است که شب ۲۵ آبان وارد کشور شد. جوان ۲۹ ساله‌ای که سه سال و نیم پیش همراه با ۹ صیاد دیگر از بندر بریس در حوالی چابهار به قصد صید ماهی به سمت آب‌های آزاد حرکت کردند، اما به خواب‌شان هم نمی‌دیدند به جای صید ماهی، خود به اسارت ارتش کشور تانزانیا درآیند و سه سال و نیم از عمرشان را در زندانی مخوف بگذرانند. او و هفت صیاد دیگر در شرایطی به وطن برگشتند که هنوز ناخدا و یک نفر دیگر از صیادان در اسارت دولت تانزانیا هستند. گفت‌وگوی جام‌چم با صیاد آزادشده را در ادامه می‌خوانید.**

✚ **باور می‌کنید آزاد شده‌اید؟**
فقط خواست خدا بود که به ما رحم کرد. کمک او نبود، هیچ‌وقت آزاد نمی‌شدیم.
✚ **یعنی شرایط آن‌قدر بد نبود که فکر می‌کردید، به‌ته‌خط رسید‌ه‌اید؟**
از ته خط هم بدتر بود. آنجا، جایی نیست که آدم به زنده ماندن و برگشتن فکر کنند. بودن در زندان تانزانیا هیچ فرقی با مرگ نداشت. بلاتکلیفی در آنجا آدم را می‌کشد، نابود می‌کند.
✚ **مگر در زندان چه اتفاقاتی می‌افتاد که می‌گویید فرقی با مرگ نداشت؟**

من و دوستانم تا به حال نه چنین زندانی دیده و نه حتی وصفش را شنیده بودیم. طریقت زندانی که ما در آن بودیم، ۱۲۰۰ نفر بود، اما اتاقی که من در آن بودم، یک اتاق شش در چهار بود که ۷۰ تا ۸۰ نفر در آن نگهداری می‌شدیم. جا خیلی تنگ بود و روی یک تشک یک نفره، سه نفر می‌خوابیدند.
✚ **قبل از توضیح در مورد شرایط زندان، در مورد نحوه دستگیری‌تان توسط ارتش تانزانیا توضیح دهید.**
اواخر سال ۹۶ بود که همراه ۹ صیاد دیگر به سمت آب‌های آزاد حرکت کردیم. شب، لنج ما و موتورش به

سناریوی هنرور سینما برای سرقت از زنان



هنرور سینما به‌بانه فیلمبرداری در سینما زنان را قریب داده و بعد از بیهوش کردن آنها با شربت مسموم طلاهایشان را می‌زدید.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌چم، عصر آخرین روز شهریور امسال زنی هراسان خود را به ماموران حراست بیمارستان امام حسین (ع) تهران رساندو اطلاع داد که دختر عمه‌اش بیهوش روی نیمکت افتاده است. در ادامه این زن به اورژانس منتقل شد که بعد از ساعاتی به هوش آمد و معلوم شد او با دختردایی‌اش برای درمان فرزند او به بیمارستان آمده‌اند که زنی وی را در محوطه بیمارستان دیده و به بهانه اینکه نیکوکار است به او نزدیک شده و گفته که پول هزینه درمان چند بیمار را داده و می‌خواسته به وی هم کمک مالی کند که او قبول نکرده است. در ادامه با تعارف شربت او را بیهوش کرده و ۴۰ میلیون تومان طلا و ۲۰ میلیون تومان پولی که در قالب چند چک در کیفش بوده، سرقت کرده است.

رسیدگی به پرونده با دستور علی ابردموسی، بازپرس شعبه پنجم دادسرای ناحیه ۳۴ تهران در دستورکار پلیس تهران قرار گرفت. پلیس در جست‌وجوی او بود تا اینکه افراد دیگری هم به پلیس آگاهی آمده و شکایت کردند که بعد از نوشیدن شربت یا خرمای مسموم یک زن بیهوش و اموالشان سرقت شده است. متهم دو روز پیش به بیمارستانی دیگر رفت و قصد سرقت داشت که ناکام ماند و دستگیر شد. از او ظرفی حاوی شربت زعفران و خرمای مسموم کشف شد. شهناز با اعتراف به سرقت‌هایش گفت: شیفته هنروری سینما بودم. دوست داشتم یک بازیگر زن معروف شوم. کارم را با سیاه‌لشکری آغاز کرده و با همه بازیگران معروف زن عکس گرفته بودم، اما از زمانی که بیماری کرونا شروع شد، پروژه های سینمایی تعطیل و من هم بیکار شدم. در یک فیلم سینمایی نقش سارق را داشتم که تصمیم گرفتم آن را واقعی اجرا کنم. با تهیه شربت و خرمای مسموم به بیمارستان رفته و کنار زنان نشسته و ادعا می‌کردم در حال فیلمبرداری در بیمارستان هستیم و اعتماد زنان را جلب کرده و بعد از بیهوش کردن آنها، پول و طلاهایشان را سرقت می‌کردم.

متهم پس از اعتراف به این سرقت‌ها، روانه زندان شد.